


A Reflection on Peer Review Mechanisms in Some Articles Extracted from PhD Theses in Architecture (Based on the Empathy Theory)

Seyedeh Saeideh Hoseinzadeh M., PhD. 
Assistant professor, Technical and Engineering Faculty, Payam-e Noor University, Tehran, Iran

Received: October 22, 2022
Accepted: September 23, 2023

(Pages: 5-22)

Hoseinzadeh M., S.H., 2024. A Reflection on Peer Review Mechanisms in Some Articles Extracted from PhD Theses in Architecture (Based on the Empathy Theory). *Soffeh* 34 (2): 5-22.

[DOI: 10.48308/sofeh.2024.104644](https://doi.org/10.48308/sofeh.2024.104644)

Abstract:

One of the most important steps in the peer review process is studying manuscripts. Manuscripts extracted from PhD theses are particularly sensitive as they play a key role in students' pre-viva stages, deciding their eligibility to hold their viva. A review of submissions shows inconsistencies between reviewers' and authors' understandings of manuscripts, causing mutual dissatisfaction. This issue occasionally goes back to review procedures. The present research tries to propose some solutions based on the Empathy Theory: solutions that help bringing the reviewer and the author closer to each other through a better mutual understanding. The paper uses a descriptive-analytical method, with logical reasoning using the Empathy Theory, and the data is collected through library studies and interviewing students.

Keywords:

Manuscripts, Peer Review of Architectural Articles, Empathy Theory, Lived experience in architecture.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 34, Issue 2, No. 105, 2024  ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: archisad@pnu.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/sofeh.2024.104644>

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

تأملی بر سازوکارهای داوری برخی مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های دکتری معماری (با اتکا به نظریه همدلی)

سیده سعیده حسینی زاده^۱

استادیار دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۱

پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۲

(صفحه ۵ - ۲۲)

حسینی زاده، س.س. ۱۴۰۳. تأملی بر سازوکارهای داوری برخی مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های دکتری معماری (با اتکا به نظریه همدلی). فصلنامه علمی معماری و شهرسازی صفحه. ۳۴ (۲): ۵-۲۲.

کلیدواژگان: دست‌نوشته علمی، داوری مقالات معماری، نظریه همدلی، تجربه زیسته از معماری.

چکیده

به‌خوبی فهم و انجام گردد. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده و روش پژوهش با تکیه بر نظریه همدلی، به‌مثابه نظریه پشتیبان، استدلال منطقی است. گردآوری مطالب به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی و مصاحبه با دانشجویان انجام شده است.

مقدمه

دانشجویان در مقطع دکتری معماری، همانند دانشجویان سایر رشته‌ها، برای اخذ مجوز دفاع از پایان‌نامه خود به پذیرش یا چاپ مقالات برگرفته از آن در یک یا چند مجله معتبر علمی نیاز دارند. علاوه بر این، همچون سایر پژوهشگران برای انتشار یافته‌های پژوهش خود نیز به این امر روی می‌آورند. از دیگر سو، کیفیت انتشار مقالات^۲ بر بالا رفتن امتیاز و شاخص مجلات حین محاسبات شاخص‌های علم‌سنجی و افزایش اقبال استاد به مقالات منتشرشده در آنها، اثرگذار است. تا آن حد که با استناد به نظر ویلیامسون^۳ فرایند

یکی از مهم‌ترین مراحل سازوکار هر داوری در مجلات معتبر علمی مطالعه دست‌نوشته‌هایی است که به مجلات ارسال می‌گردند. دست‌نوشته همان گزارش علمی است که وقتی چاپ شد با عنوان مقاله علمی معرفی می‌گردد. در بین این دست‌نوشته‌ها آنها که برگرفته از رساله‌های دکتری هستند حساسیت بیشتری را برمی‌انگیزند؛ از این لحاظ که سرنوشت دانشجویان دکتری در مراحل پایانی دفاع از رساله به چاپ یا پذیرش مقالات مستخرج از این رساله وابسته است. بررسی تعدادی از این دست‌نوشته‌ها که دانشجویان دکتری معماری به مجلات تخصصی این رشته در ایران ارسال کرده بودند، نشان داد گاه فهم داور و نویسنده از مطالب نوشته‌شده مشترک و همدل نیست. این مسئله باعث نارضایتی طرفین از نوشتار مقالات یا نظرات داوری شده که گاه به فرایند مطالعه دست‌نوشته‌ها یا نظرات داوری برمی‌گردد. در این مقاله سعی شد با تکیه بر نظریه همدلی و تأکید بر اهمیت تجربه زیسته افراد، راهکارهایی پیشنهاد گردد تا بتوان بر اساس آنها، فهم نویسنده و داور را نسبت به مطالبی که بین آنها ردوبدل می‌شود به هم نزدیک کرد. به بیان دیگر، بتوان کمک کرد آنچه مقصود نویسنده است را داور فهم کند و آنچه مقصود داور است نیز توسط نویسنده

1. archisad@pnu.ac.ir

۲. مقالاتی که هنوز منتشر نشده و در مرحله داوری قرار دارند manuscript و مقالاتی که چاپ و منتشر می‌شوند article نامیده می‌شوند.

3. A. Williamson, "What Will Happen to Peer Review", *Learned Publishing*, no. 16 (2003): 15-20.



فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۲، پیاپی: ۱۰۵

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: archisad@pnu.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/sofeh.2024.104644>

پرسش تحقیق

چگونه می‌توان در سازوکار داوری مقالات معماری، با تکیه بر نظریه همدلی، فهم نویسنده و داور را از مطالب، به هم نزدیک کرد؟

۴. سیروس علیدوستی و همکاران، «داوری‌های علمی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: رویکرد سیستمی»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش. ۴۷ (مهر ۱۳۸۸): ۱۶۹-۲۰۸.

5. Review

6. Scientific Criteria

۷. این واژه یک اصطلاح خاص در حوزه همترازخوانی است که نگارنده از آن استفاده کرده و تا زمانی که این دست‌نوشته‌های علمی داوری نشده و به مرحله چاپ نرسیده‌اند نمی‌توان آنها را مقاله علمی نامید.

۸. یزدان منصوریان، «فرازا و فرودها در فرایند داوری»، کتاب ماه کلیات، ش. ۱۶۷ (آبان ۱۳۹۰): ۶۴-۶۹.

۹. علیرضا امان‌اللهی و همکاران، «معیارهای عینی و ذهنی داوران در داوری مقالات چاپ و یا ردشده مجله مدیریت سلامت: سال‌های ۹۲-۹۰»، فصلنامه مدیریت سلامت، ش. ۵۷ (فروردین ۱۳۹۳): ۲۶-۴۵.

۱۰. آنه محمد غراوی، «الگوهای داوری رایج مقالات مجلات»، مجله دانش و تندرستی در علوم پایه پزشکی، دوره ۱۴، ش. ۱ (۱۳۹۸)، ۲-۱.

۱۱. مقصود مجلات علمی مصوب گروه هنر و معماری است.

12. Single Blind

13. Double Blind

داوری تضمین‌کننده کیفیت مقالات منتشرشده است.^۴ به این ترتیب هم سرنوشت دانشجویان دکتری در مراحل پایانی پژوهش و هم اعتبار مجلات علمی، هردو، به فرایند داوری گره خورده و نمی‌توان نقش مهم و اثرگذار داور را بر حوزه‌های پژوهشی دوره دکتری تخصصی نادیده گرفت.

یکی از مراحل اصلی پذیرش مقاله برای چاپ در مجلات، فرایند داوری^۵ علمی و تخصصی آنهاست که زیر نظر مجله انجام می‌گیرد. فرایندی که طی آن تعدادی از متخصصان هر رشته بر اساس «معیارهای علمی»^۶، ساختار و محتوای دست‌نوشته‌های^۷ عرضه‌شده به مجلات را بررسی می‌کنند.^۸ فرایند داوری در چند مرحله انجام می‌شود. مرحله اول انتخاب داور از سوی سردبیر مجله و مرحله دوم تصمیم‌گیری داوران و متخصصانی است که با مطالعه دقیق وظیفه داوری را انجام می‌دهند، و مرحله نهایی مرتبط با نویسندگان است که پس از دریافت نظرات داوران به اصلاح گزارش خود می‌پردازند. به دلیل اینکه ارتقای کیفیت داوری مقالات می‌تواند به مرور زمان به بهبود کیفیت گزارش‌های علمی و پژوهشی، به‌ویژه در پژوهش‌های دوره دکتری، کمک کند، داوری از مهم‌ترین مراحل پیش از چاپ مقالات محسوب می‌شود.^۹

در مجلات معتبر علمی جهان به صورت‌های مختلفی کار داوری مقالات انجام می‌شود، در مقاله‌ای هشت‌گویی رایج داوری مقالات شناسایی و معرفی شده است.^{۱۰} بر این اساس، داوری مجلات معماری در ایران^{۱۱} اغلب به یکی از دو الگوی «یک‌سو شناس»^{۱۲} یا «دوسو شناس»^{۱۳} انجام می‌شود.^{۱۴} مورد اول یعنی در فرایند داوری، یا داور از مشخصات نویسنده مقاله اطلاعاتی ندارد یا نویسنده مقاله به مشخصات داور مقاله دسترسی ندارد. مورد دوم یعنی هم نویسنده و هم داور از مشخصات همدیگر بی‌اطلاعند.

در این نوع الگوی داوری اغلب سردبیر مجله بازبینی‌هایی را در اختیار داوران قرار می‌دهد تا بر اساس معیارهای تدوین‌شده در آنها، مقالات را داوری کنند. گاهی هم داور بدون در اختیار داشتن آن بازبینی‌ها، خود در فایل اصلی مقاله یادداشت‌هایی^{۱۵} برای نویسنده یا نویسندگان مقالات ثبت می‌کند. حتی ممکن است متنی به صورت ایمیل نیز ارسال کند و در متن خود موارد مورد نظرش را تذکر یا پیشنهاد دهد. یک داوری خوب می‌تواند ضمن اثرگذاری بر کیفیت انتشارات علمی در مجلات و سرنوشت دانشجویان دکتری، بر اندیشه

به دلیل حفظ امانت و صیانت از مطالب گردآوری شده، از آوردن نام مجلات و دانشجویان مشارکت کننده در این زمینه خودداری شده است. عرضه نتایج نهایی بر اساس نظریه پشتیبان، و مبانی نظری پژوهش و نیز تحلیل داده‌ها با روش استدلال منطقی انجام گردیده است.

طی گزارشی که از پایگاه «مگیران»^{۱۸}، بانک اطلاعات نشریات کشور، اخذ شد، ۵۳ نسخه متنوع مجله مرتبط با موضوعات هنر و معماری، که دارای رتبه علمی معتبر از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند، ثبت شده است. از بین اینها ۳ نشریه با زبان انگلیسی منتشر می‌شوند که مورد بررسی این پژوهش نیستند و ۲ مجله نیز انتشارشان متوقف شده است، حدود ۲۷ مجله به موضوع معماری مرتبط می‌شوند. از این تعداد ۱۵ مورد صرفاً به معماری اختصاص دارد و بقیه موارد هم به معماری و هم به سایر تخصص‌های حوزه‌ی هنر و معماری اختصاص دارند. مقالات مورد بررسی در این پژوهش منتخب از بین نمونه‌ی اخیر هستند.

تعداد دست‌نوشته‌های مورد بررسی در این پژوهش ۲۰ مورد هستند. این تعداد نمونه‌هایی هستند که نیاز به اصلاحات داشتند، بنابراین مقالات رد شده یا پذیرفته شده را شامل نمی‌شوند.

۲.۱. پیشینه پژوهش

به موضوع داوری مقالات، به‌منزله بحثی مستقل، در پژوهش‌ها به‌ویژه کتاب‌ها کمتر توجه شده و این کمبود هم در آثار انگلیسی و هم فارسی مشهود است؛ با این حال دو کتاب اثر هیمز^{۱۹} و ولر^{۲۰} نمونه‌های مستقل در این زمینه هستند. کتاب نخست حاصل تجربه ۲۰ ساله هیمز از مدیریت داخلی یک مجله است که همه را در کتاب یک‌جا آورده و از این حیث ارزشمند است. در این مجموعه به اهداف و وظایف داوری در مجلات، چگونگی فرایند

خوانندگان مقالات نیز اثرگذار باشد؛ چراکه خوانندگان به اعتبار داوری او، به مطالب و اصالت منابعی که مطالعه می‌کنند اطمینان دارند. بنابراین محتوای این بازبینی‌ها و سازوکاری که داور تحت آن نقش داوری خود را ایفا می‌کند، اهمیت دارد. به دلیل اینکه داور کار خود را با مطالعه گزارش مقاله و دست‌نوشته آغاز می‌کند و نظرات خود را نیز با نوشتن به نویسنده منتقل می‌کند، به نظر می‌رسد مهم‌ترین قسمت سازوکار و فرایند داوری فضای انتقال اندیشه بین داور و نویسنده باشد. گویی این انتقال اندیشه گاه به خوبی محقق نمی‌شود و به شکل یک مسئله در برخی موارد نزد دانشجویان معماری ردوبدل می‌گردد. این مسئله را نگارنده بارها زمانی که خود دانشجوی دکتری معماری بود بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ از زبان دانشجویان می‌شنید. از این رو بر آن شد تا در این پژوهش به این مسئله بپردازد و برای آن راه حلی پیشنهاد دهد. یکی از نظریات پیشنهادی که بر اساس آن مسئله یادشده و به‌طور خاص موضوع انتقال اندیشه بررسی می‌شود، «نظریه همدلی»^{۱۷} است.

۱. روش و پیشینه پژوهش

۱.۱. روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده که جمع‌آوری مطالب آن در دو بخش انجام گرفته است: بخش مرتبط با مبانی نظری پژوهش از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و داده‌های مربوط به امر داوری مقالات معماری با روش میدانی گردآوری شده است. در بررسی میدانی از بین نظرات داوری که به دانشجویان دکتری معماری، در مقام نویسندگان اصلی مقالات، ارسال گردیده، موارد بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ انتخاب و طی مکاتبه با دانشجویان مورد نظر این نظرات جمع‌آوری و دسته‌بندی گردید. سپس نظرات داوران با در نظر گرفتن سبک و بیان نگارش آنان بررسی و جمع‌بندی شد.

۱۴. این نتیجه از بررسی اطلاعات مربوط به نشریات معماری که در پایگاه‌های اینترنتی هر مجله درج شده، به دست آمد.

15. check-list

16. comments

17. Empathy Theory

18. www.Magiran.com

19. I. Hames, *Peer Review and Manuscript Management in Scientific Journals: Guidelines for Good Practice* (Malden, MA: Blackwell Publishing, xi, 293 p. ISBN: 978-1-4051-3159-9, 2007).

۲۰. آن سی، ولر، *فرایند داوری در مجلات علمی: نقاط قوت و ضعف آن*، ترجمه علی‌حسین قاسمی و سیروس آزادی (تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و نشر چاپار، ۱۳۸۹).

۲. سازوکار داوری مقالات

داوری اساساً یک فرایند فکری و گونه‌ای تفکر و اندیشه است که در قامت زبان و به شکل گزاره بیان می‌شود. نوعی قضاوت عالمانه و بی‌طرفانه و فرایندی است که طی آن تعدادی از متخصصان هر رشته با نگاهی منتقدانه نسبت به ارزش علمی آثار جدید اظهار نظر می‌کنند.^{۲۶} سپس در صورت تشخیص تطابق کافی این آثار با معیارهای^{۳۰} علمی، مجوز نشر آنها صادر می‌شود. این فرایند علاوه بر اینکه از پیچیدگی خاصی است، امکان دارد بر رشد یا انحطاط اندیشه نویسندگان و خوانندگان نیز تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد.^{۳۱}

امر داوری نیازمند مهارت، تخصص، و تعهد و نقش داوران از سه وجه عمده قابل توجه است. یکی همکاری با سردبیر مجله که در تصمیم‌گیری برای رد یا چاپ یک مقاله و ارتقای کیفیت نشر مجله به او کمک می‌کند، وجه دیگر کمک به نویسندگان یا نویسندگان مقالات که به آنها در مورد ایده‌های خود و نحوه بیان آنها توصیه‌های تخصصی می‌کند، و وجه آخر کمک به خوانندگان است.

با بررسی نظام «هم‌ترازخوانی» رایج در ایران می‌توان بخشی از سازوکارهای داوری رایج در ایران را به صورت مجمل استخراج کرد.^{۳۲} نظام هم‌ترازخوانی الگوی متداول داوری مقالات علمی است که در آن متخصصان هم‌رتبه با پدیدآورنده به ارزیابی آثار او می‌پردازند که رایج‌ترین آن همکاری سردبیر و دو داور است. داوری گاه در قالب‌های طراحی و از پیش معین انجام می‌شود که به صورت یک راهنما برای داور ارسال می‌گردد؛ او در این قالب در مورد دست‌نوشته^{۳۳} ی ارسالی به مجله اظهار نظر می‌کند. گاه بدون عرضه یک قالب مشخص از وی خواسته می‌شود نظر خود را به سردبیر ارسال کند؛ نظرات او به سه شیوه در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد: یا اصل گزارش و یا خلاصه‌ای از نظرات داور به او ابلاغ می‌شود یا پیشنهادهای

داوری، ارسال و داوری برخط، و موارد دیگر مربوطه اشاره شده است. کتاب دوم را می‌توان یکی از نخستین کتاب‌هایی مهمی دانست که نگارنده‌اش به تحلیلی جامع و عمیق از روند بررسی آثار در نشریات علمی پرداخته است.

کتاب دیگری نوشته رجبعلی بگلو به پیشینه کنش هم‌ترازخوانی^{۳۱} و داوری، تکامل دگرگونی‌ها، نظام‌ها و فرایندهای هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی و همچنین سامانه‌ها و پلتفرم‌های موجود در این مجله‌ها مرتبط است. در این اثر تلاش شده به اهمیت و ضرورت این کنش به‌مثابه یکی از اجزای نشر علمی پرداخته و در یک نگاه اجمالی به انتقادات و چالش‌های وارد بر این بخش توجه شود. همچنین مؤلفه‌های اصلی اخلاق هم‌ترازخوانی به‌منزله بخش مهمی از این کنش تشریح گردیده است.^{۳۲}

برخی پژوهشگران به مسائل مختلفی که نظام هم‌ترازخوانی با آن درگیر است اشاره کرده‌اند. در تحقیقاتی به سوگیری به‌مثابه یکی از این مسائل و انواع سوگیری‌ها پرداخته‌اند.^{۳۳} در پژوهش‌های دیگری هم صاحب‌نظران به‌طور عام به برخی از مسائل هم‌ترازخوانی توجه کرده‌اند.^{۳۴} در خصوص اخلاق داوری علمی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است.^{۳۵} موضوع هم‌ترازخوانی در حوزه‌های تخصصی نیز مطالعه شده است، از جمله در زمینه علوم پزشکی^{۳۶}، جامعه‌شناسی^{۳۷}، علوم فنی و مهندسی^{۳۸}.

آنچه در این پژوهش بررسی شده تفاوت‌هایی با موارد فوق دارد. اولاً حوزه تخصصی معماری را شامل می‌شود، ثانیاً موضوع انتقال اندیشه بین داور و نویسنده در فرایند هم‌ترازخوانی، به‌منزله بخشی از سازوکار داوری بررسی شده، ثالثاً با اتکاء بر یک نظریه پشتیبان مورد استفاده در حوزه علوم شناختی، برای حل مسئله راهکار عرضه گردیده است.

21. Peer Review

۲۲. رضا رجبعلی بگلو و همکاران، «فرایند هم‌ترازخوانی و چالش‌های اخلاقی آن: آیا می‌توان به داوری اخلاقی امیدوار بود؟»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش. ۲ (شهریور ۱۴۰۱): ۱۶-۲۱.

۲۳. فاطمه مکی‌زاده و فاطمه زارع، «سوگیری در هم‌ترازخوانی»، *مدیریت منابع و خدمات اطلاعاتی*، ش. ۲ (تیر ۱۳۹۸): ۵۱-۶۲.

۲۴. علیرضا مطلبی‌فرد و همکاران، «آسیب‌شناسی و تدوین چارچوب داوری آثار علمی: یک رویکرد کیفی»، *دانش‌شناسی*، ش. ۲۲ (آذر ۱۳۹۲): ۷۳-۸۴.

۲۵. احد فرامرزی قراملکی، «اخلاق داوری علمی»، *راهبرد فرهنگ*، ش. ۸-۹ (زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹): ۷-۱۹؛ محمد ابویی و سیدآیت‌الله میرزایی، «داوران و اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش. ۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۳۶-۴۷؛ علیرضا مطلبی‌فرد و همکاران، «آسیب‌شناسی و تدوین چارچوب داوری آثار علمی: یک رویکرد کیفی»، ۷۳-۸۴.



26. D.J. Benos, et al., "How to Review a Paper?," *Advances in Physiology Education*, no. 27 (2003): 47-52;

محمدباقر اولیاء و مهرداد شکیبا، «چگونه مقالات پژوهشی را به روش علمی و سیستماتیک داوری کنیم؟»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدقی یزد، ش. ۱۶ (تابستان ۱۳۸۷): ۳-۸.*

۲۷. فرهنگ ارشاد و همکاران، «تحلیل اسناد داوری مقاله‌های مجله جامعه‌شناسی ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش. ۴ (دی ۱۳۸۴): ۳-۳۳*; سیدآیت‌الله میرزایی و همکاران، «همترازخوانی در مجلات علمی: مطالعه موردی: مجله جامعه‌شناسی ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۷، ش. ۴ (دی ۱۳۸۵): ۱۴۷-۱۷۹.*

۲۸. آرش گرگین کرجی و مسیب بابازاده، «چالش‌های داوری مقالات پژوهشی در حوزه فنی و مهندسی ایران»، *مجله نخبگان علوم مهندسی، سال ۵، ش. ۳ (مرداد ۱۳۹۹): ۲۳۳-۲۱۳.*

۲۹. منصوریان، «فرازها و فرودها در فرایند داوری»، ۶۴-۶۹؛ منصوریان، «داوری و مدیریت مقاله در مجله‌های علمی: راهکارهایی برای عملکردی شایسته»، *کتاب ماه کلیات، ش. ۹ (شهریور ۱۳۹۱): ۴۴-۴۷.*

هم حتی در موضوعات علمی واحد نیز امری ضروری است. بدین‌منظور برای وی هم اختیاراتی در نظر گرفته شده و هم مسئولیت‌هایی در قبال این اختیارات که در ادامه معرفی می‌گردد.

۳. اختیارات و مسئولیت‌های داوران

به‌طور کلی داور نسبت به سه موضوع کلی مقاله نظر می‌دهد. اول موضوع علمی، دوم موضوع اخلاقی، و سوم موضوع عرضه^{۲۷} گزارش مقاله و در نهایت پیشنهادات خود را اعلام می‌کند. موضوع اختیارات و مسئولیت‌های داوران به‌طور عام و مشابه در سایت اغلب مجلات معماری ایران درج شده است. با بررسی پانزده سایت اختصاصی مرتبط با مجلات معماری ایران (مگیران) نکات کلیدی و مشترک در آنها به شرح ذیل قابل بیان است:

۱) انتظار می‌رود داور مسئولیت‌پذیر، پاسخ‌گو، وقت‌شناس، حقیقت‌جو، علاقه‌مند، و پایبند به اخلاق حرفه‌ای و رعایت حقوق دیگران باشد. استناد به شواهد معتبر و متناسب، انصاف، ادب، پرهیز از تعصب و پیش‌داوری و شتاب‌زدگی، به‌همراه بیانی واضح برای سردبیر در خصوص میزان تناسب مقاله برای چاپ در مجله از خصوصیات الزامی داوران است. همچنین در حفظ محتوای مقالات و محرمانه نگه داشتن آن باید بکوشد.

۲) اگر داور موضوع مقاله را خارج از حیطه کاری و تجربی خود می‌داند، بدون تعارف برای رعایت حقوق نویسندگان از داوری مقاله انصراف دهد تا فرصتی برای نویسنده باشد که نتیجه تحقیقاتش را داوران تخصصی دیگر ارزیابی کنند.

۳) داوری مقالات باید بر اساس مستندات علمی و استدلال کافی باشد، به‌روشنی بیان شود و این مدارک به نشریات و نویسندگان عرضه و از اعلام نظر سلیقه‌ای و غیرعلمی در داوری مقالات خودداری شود.

۴) توجه به منابع استفاده‌شده در مقاله از دیگر وظایف داوران است.

نهایی بدون انعکاس نظر داوری به نویسنده ارسال می‌گردد، حالت سوم در صورتی است که نظرات دو داور با هم اختلاف داشته باشد، که از داور سوم کمک گرفته می‌شود.

منصوریان انواع و روش‌های داوری را در چند دسته بدین‌ترتیب تقسیم‌بندی کرده است: «داوری شتاب‌زده یا همراه با تأمل»، «مغرضانه تا منصفانه»، و «منتقدانه تا سطحی». در پژوهش حاضر فرض بر این است که داور در همه موارد فوق‌الذات سعی دارد بهترین داوری را انجام دهد؛ یعنی داوری همراه با تأمل، منصفانه، و منتقدانه. اما گاه علی‌رغم این سعی وی، ممکن است بنا بر دلایلی نتیجه داوری وی مورد تردید باشد که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شود.

معمولاً در پایگاه اطلاع‌رسانی اغلب مجلات معماری ضمن معرفی ارگانی که مستقیماً بر امر داوری دخالت دارد، مراحل داوری و تعهدات الزامی داور نیز شرح داده شده است. بررسی آنها نشان داد مهم‌ترین نقشی که برای داور معرفی گردیده، بیان «نقد سازنده»^{۲۴} و «اعلام نظر در خصوص ارزش کلی مقاله» برای انتشار (چاپ با شروط یا بدون شروط و یا رد آن) است که در مجموع می‌توان به این دو نقش عمده «تصمیم‌گیری داور» گفت. در این بین داور یک «مشاور»^{۲۵} برای نویسنده است و به بیان دیگر او باید هر آنچه مؤلف یا نویسنده ندیده را ببیند.^{۲۶} بنابراین یک داور می‌تواند به اندازه یک محقق همکار، یا یک استاد راهنما یا استاد مشاور، کمک‌کننده و راهنما باشد.

این امر ضمن اینکه مستلزم آگاهی و تسلط لازم وی بر موضوع علمی مقاله است، به مهارت داور در فهم حاق مطالبی که نویسنده عرضه داشته نیز مرتبط است. یعنی ضمن تسلط داور بر ادبیات موضوع و دانستن مطالب قدیمی و گذشته در پهنه این ادبیات، توانایی مرتبط کردن یافته‌های پژوهش در دست داوری به علم جدید و فهم درست از آنچه طرح شده نیز اهمیت دارد. نزدیک شدن ادبیات علمی داور و نویسنده به

ضروری است همه تحقیقات، موضوعات، و نقل قول‌های موجود در مقاله با ارجاع‌دهی کامل در کتابنامه همراه باشد.

۵) شرط عدم تعارض منافع و عدم استفاده از مقاله برای منافع شخصی رعایت شود.

۶) گزارش رفتارهای سوء پژوهشی که در فرایند داوری با آنها باید برخورد و به دفتر مجله اعلام شود و مستندات مربوط به آنها (به‌طور نمونه شباهت مقاله با مقاله‌ای که در سایر نشریات به چاپ رسیده یا مصادیق مربوط به سرقت علمی یا جعل و تحریف داده‌ها) بیان گردد.

۷) داور به دور از هرگونه جانب‌داری نسبت به ساختار یا محتوای مقاله تصمیم بگیرد.

برای نویسنده به‌خصوص دانشجوی دکتری که به قصد چاپ و انتشار مقاله با مجله‌ای همکاری می‌کند، بسیار مهم است که بتواند نظرات داوران را در متن ارسالی خود وارد و بخت پذیرش چاپ مقاله را دریافت کند. از این‌رو هم اعتماد داور به نویسنده برای اصلاح موارد مدنظر وی، هم اعتماد نویسنده به داور برای داوری به‌دور از جانب‌داری در فرایند مورد نظر اهمیت دارد. اما اگر همه وظایفی که برای داور برشمرده شده، نادیده گرفته شود و تنها مورد آخر مورد توجه قرار گیرد، سؤالات مهمی طرح می‌شود که پاسخ به آنها نیاز به پژوهش دارد؛ مثلاً «چگونه داوری به‌دور از جانب‌داری می‌تواند اتفاق افتد؟». آیا حقیقتاً همواره فضای تبادل اندیشه بین نویسنده و داور به‌خوبی ایجاد می‌شود تا داور بتواند داوری جانب‌دارانه را کنار بگذارد و منصفانه داوری کند؟ آیا همواره فضای تبادل اندیشه‌های طرفین فضای مساعد برای فهم اندیشه یکدیگر است؟ داور و نویسنده صرفاً با مطالعه نوشتارهای یکدیگر باید از جو حاکم بر اندیشه یکدیگر و فهم مطلب از سوی طرف مقابل آگاه شوند، آیا همواره این امر محقق می‌شود؟ هرچند پاسخ به همه این سؤالات در پژوهش حاضر مدنظر نیست،

30. criteria

۳۱. احد فرامرزی قراملکی، «اخلاق داوری علمی»، ۷-۱۹.

۳۲. محمد ابویی و همکاران، «فرایند داوری مقالات در مجلات علمی ایران»، *پژوهش و مدیریت اطلاعات*، ش. ۷۲ (اسفند ۱۳۹۱): ۳۴۵.

۳۳. همان‌طور که گفته شد، دست‌نوشته‌ها در صورتی که چاپ شوند یک مقاله علمی قلمداد می‌گردند.

34. Constructive Criticism

35. advisor

36. FG Jr. Hoppin, "How I Review an Original Scientific Article", *Am J Respir Crit Care, Med*, no. 166 (2002): 1019-1023.

37. presentation

38. E. Ammenwerth, et al., "Developing and Evaluating Criteria to Help Reviewers of Biomedical Informatics Manuscripts", *Journal of the American Medical Informatics Association*, no. 5 (2003): 512-514.

اما پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش مرتبط با یافتن پاسخ پرسش‌های بالاست.

موارد فوق اختیارات و مسئولیت‌های داور به‌خصوص مسئولیت اخلاقی وی هستند. اما معرفی نقش اصلی و تخصصی داور که در مجلات معماری ایران نیز بر آن تأکید شده، از جمله نکاتی است که داور حین مطالعه یک گزارش و مقاله علمی باید به آن توجه داشته باشد، مانند:

۱) تشخیص تازگی و نو بودن تحقیق

۲) اصالت مقاله

۳) نقاط ضعف و قوت روش‌شناسی و قابلیت اطمینان علمی

۴) افزودن جنبه‌های جدید به حوزه مطالعاتی موجود

۵) رعایت جنبه‌های اخلاقی

۶) ساختار مناسب مقاله ارسالی

۷) استفاده از منابع به‌جا برای اثبات محتوا

۸) رعایت صحیح دستور زبان و موارد نگارشی

۹) تشخیص هرگونه سوءرفتار علمی

طبق دستورالعمل مجلات بررسی‌شده، توجه به این نکات ارزش چاپی مقاله را برای داور مشخص می‌کند. این نکات را می‌توان ذیل معیارهای علمی ارزیابی ساختاری و محتوایی دست‌نوشته‌ها دسته‌بندی کرد. ارزیابی ساختاری بر اساس این معیارها کار آسان‌تری به‌نظر می‌رسد؛ به‌خصوص که برخی از این معیارها قبل از فرایند داوری در ارزیابی اولیه مقاله لحاظ می‌شوند و برخی دیگر همگام با فرایند داوری. اما به‌نظر می‌رسد قبل از ارزیابی محتوایی دست‌نوشته با این معیارها که به‌طور کلی شامل «اهمیت، کیفیت محتوای علمی، نوآوری و ابتکار، سازماندهی، و وضوح عرضه و بیان»^{۳۸} هستند، فهم حاق مطلب نوشته‌شده از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر اساس معیارهای پیش‌گفته، مهم‌ترین مواردی که پذیرش یک مقاله را قطعی می‌کند به این شرح هستند: مرتبط

می‌کنند تفهیم نظریه از خلق نظریه^{۴۱} دشوارتر می‌شود. چیزی که معمولاً مورد اعتراض دانشجویان دکتری نویسنده مقالات است.

۴. سازوکارهای داوری مقاله در مجلات معماری

بررسی اولیه نرخ پذیرش مقالات در مجلات تخصصی معماری، با استناد به اطلاعات آماری درج شده^{۴۲} در سایت این مجلات، حاکی از آن است که این نرخ به طور متوسط نسبت به نرخ عدم پذیرش بسیار پایین است (ت ۱). به نظر می‌رسد این موضوع یا به کیفیت گزارش و مقالات ارسالی و یا به سازوکارهای فرایند داوری مربوط شود که اولین گام در رفع آن، مطالعه گزارش‌ها و دست‌نوشته‌ها و بالطبع ضرورت فهم داور نسبت به آنهاست. قبلاً ذکر شد داوری یک فرایند فکری و نوعی اندیشه است. از آنجاکه دانشجویان دکتری با مقاله‌نویسی سعی در انتقال اندیشه خود به دیگران دارند، به نظر می‌رسد تعامل بین نویسنده و داور نیز نوعی انتقال اندیشه و به همین ترتیب پاسخ نویسنده به داور نیز نوعی فرایند فکری باشد. بدین دلیل برآیند این تعامل فکری و فضای اندیشه‌محوری که شکل می‌گیرد در خروجی داوری اثرگذار است.

بر این اساس، چگونگی مطالعه و فهم مطالب و کیفیت برقراری رابطه فکری بین داور و نویسنده یکی از ارکان مهم سازوکارهای داوری است. بنابراین قبل از اینکه داوری متکی بر معیارهای علمی فوق انجام شود، ایجاد فضای فهم و تبادل اندیشه بین داور و نویسنده مهم‌تر است. اینکه داور بتواند مقایسه‌ای دقیق بین این معیارها با متن دست‌نوشته مد نظر انجام دهد به میزان فهم وی از مطالب این دست‌نوشته هنگام مطالعه بستگی دارد. می‌توان از آن به ایجاد «جو مفهومی مشترک» بین داور و نویسنده یاد کرد.

بودن مقاله با اهداف و موضوعات مجله، بیان یک دغدغه روز، نگارش عالی، روال منطقی عرضه گزارش، بیان مفاهیم قابل درک، داشتن هدف و متدلوژی مناسب، و استفاده از منابع علمی جدید بین‌المللی؛ و مواردی همچون عناوین جالب توجه، ایده‌های معنادار و منحصر به فرد و خلاقانه، عرضه نتایج واضح و مطلوب، و سبک نگارش خلاقانه مورد حمایت بیشتر داوران خواهد بود.^{۴۳} دلایل رایجی که باعث پذیرفته نشدن مقالات می‌شوند، این مواردند: مقالاتی که آمار ناقص و ناکاملی دارند، مقالاتی که حاوی استنتاج‌های بی‌مورد از یافته‌ها هستند، به کار بردن ابزارهای نامناسب اندازه‌گیری و تحلیل نامناسب داده‌ها، کافی نبودن حجم نمونه مورد مطالعه، فقدان تبیین اهمیت و پیشینه موضوع.

به نظر می‌رسد در تدوین این معیارها و عوامل مؤثر بر پذیرش یا رد مقاله، فرض بر این گرفته شده که همیشه داور مطالب نویسنده را به طور کامل و دقیق فهم می‌کند. در ادامه استدلال خواهد شد گاه این امر محقق نمی‌شود و در سازوکارهای داوری مهم‌تر از وجود معیارهای علمی برای یک داوری خوب، فهم درست نویسنده و داور از نوشتار همدیگر است. شاید احساس شود این مسئله برای همه حوزه‌های تخصصی به غیر از معماری نیز ممکن است اتفاق افتد. هرچند این احتمال وجود دارد، اما باید توجه داشت در پژوهش‌های کمی و متکی بر نظریات اثباتی احتمال حصول دو فهم متفاوت از مطالب دست‌نوشته علمی کمتر است.

از طرفی، در حوزه معماری، به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای مباحث و گاه پژوهش‌هایی که با تکیه بر نظریه‌های هنجاری یا داده‌های حاصل از رابطه انسان با محیط و مواردی از این دست انجام می‌گیرد^{۴۴} و معمولاً پژوهش‌ها کیفی است، احتمال بروز این مسئله قوی‌تر می‌شود. طبق توضیحات بعدی، گاه در مسیر نظریه‌آفرینی که دانشجویان دکتری معماری طی

39. GM Garmel, "Reviewing Manuscripts for Biomedical Journals", *The Permanente Journal*, no. 14 (2010): 9-32.

۴۰. جان لنگ، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در محیط)، ترجمه علیرضا عینی‌فر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)، ۳-۳۵.

۴۱. محمود رازجویان و سپیده مسعودی‌نژاد، گام به گام تا نظریه‌آفرینی (از سؤال تا نظریه، از نظریه تا رساله) (تهران: روزنه، ۱۳۹۸)، ۹.

۴۲. تا تاریخ ۱۴۰۱/۶/۳۱.

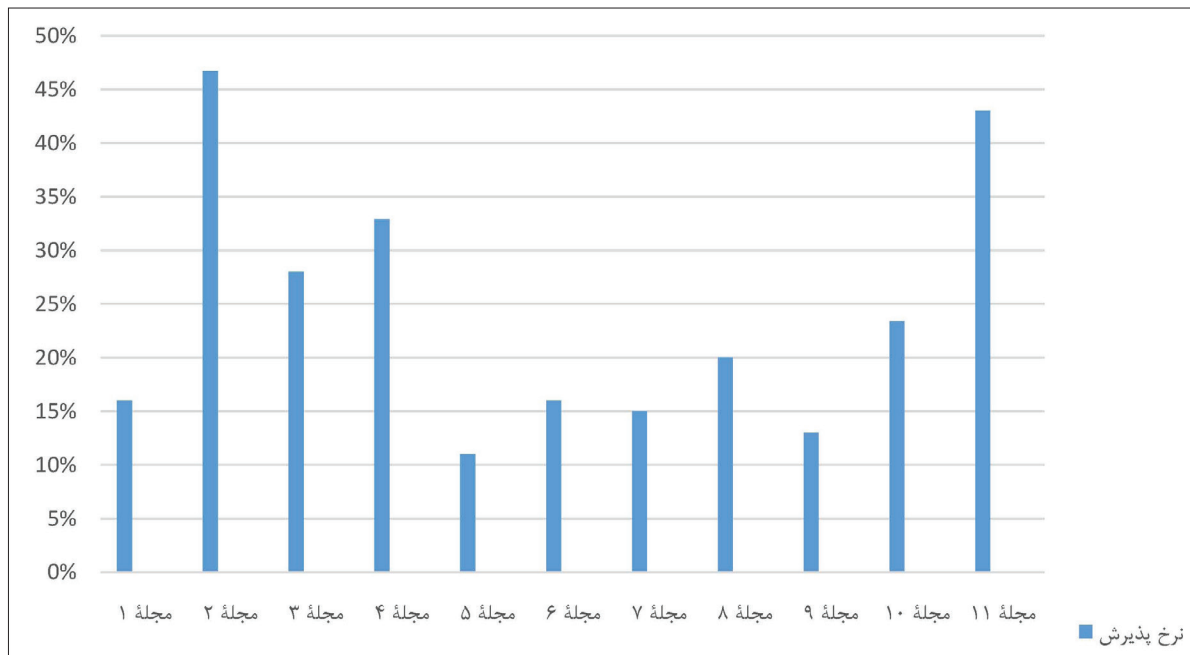
۵. تحلیل و یافته‌ها

برای دریافت پاسخ پرسش‌های مطروحه در بالا، تعدادی از دست‌نوشته‌های دانشجویان دکتری معماری که مقالات مستخرج از رساله و فرستاده‌شده به مجلات تخصصی معماری بودند، بررسی شد. در بین این نمونه‌ها، سه گونه داوری وجود داشت. داوری در قالب بازبینه‌های مشخص و از پیش طراحی‌شده که داور بر اساس محتوای آنها نظر خود را نسبت به دست‌نوشته اعلام کرده بود. برخی حاوی پرسش‌هایی بود که داور با پاسخ به آن پرسش‌ها نظر داده بود. پاسخ داور بر اساس معیارهای معلوم‌شده طیف از خیلی خوب تا خیلی ضعیف را شامل می‌شد (مانند «جدول ۱»). گونه دوم نظر داوران به صورت یک متن کوتاه از طریق ایمیل به اطلاع نویسنده رسیده بود. مثلاً در یکی از نمونه‌ها نظر داوری با ذکر «نیازمند بازنگری کلی» اعلام شده بود. گونه سوم عرضه بازبینه توأمان با حاشیه‌نویسی

در متن اصلی دست‌نوشته، توسط داور بود.

محتوای «جدول ۱» عموماً برای مجلات مشترک بود. بیان نظر داور در قالب این محتوا نشان می‌دهد نویسنده لزوماً باید با مفاهیم این جدول آشنا باشد و بتواند نسبت به نظر داور آگاه شود، آن را فهم کند، و سپس موارد اصلاحی مد نظر را انجام دهد. این در حالی است که بازبینه‌ها و حتی حاشیه‌نویسی‌ها همچون میانجی‌هایی بین فضای اندیشه نویسنده و داور هستند. گاه وجود چنین میانجی‌هایی بین مقصود یکی و فهم دیگری از آن مقصود فاصله می‌اندازد؛^{۴۳} یعنی یک فضای اندیشه‌محور مشترک بین داوران و نویسندگان که در آن امکان دارد فهم متقابلی نسبت به مطالب ردوبدل شده برقرار شود، با وجود میانجی‌ها مختل گردد.

مطابق اشارات برخی از دانشجویان، محتوای بازبینه‌ها و متن نظرات داوران نشان می‌دهد یا جو مفهومی مشترک



۴۳. سیده‌سعیده حسینی‌زاده مهرجردی، «تن‌یافتگی در مهارت‌آموزی طراحی معماری»، رساله دکتری رشته معماری (دانشگاه یزد، ۱۴۰۱)، ۱۰۱.

ت ۱. نرخ پذیرش مقاله در ۱۱ مجله معماری در ایران از بین ۱۶ مجله بررسی شده (در پایگاه مجیران برای ۵ نمونه از مجلات، آماری درج نشده بود)، پژوهش و بررسی: نگارنده.

نویسنده بپرسد»^{۴۴} تا نویسنده با پاسخ‌هایش هم نسبت به ضعف کار خود آگاه شود و هم به داور کمک شود تا نسبت به گزارش علمی مورد نظر فهم بهتر و داوری همراه با تأمل، منصفانه‌تر، و انتقادی داشته باشد.

دوم، همان‌طور که از نویسنده انتظار می‌رود به‌صورت ساده، روان، قابل‌فهم، و به‌دور از هرگونه دشواری در بیان مطالب، دست‌نوشته‌ی خود را تدوین و تنظیم کند، از داور نیز انتظار می‌رود به‌همین ترتیب ساده، روان، گویا، و قابل‌فهم نظرات داوری خود را بگوید. این امر نیز به تقریب مقصود داور و نویسنده به هم کمک می‌کند؛ در بررسی تعدادی از موارد داوری‌شده مشاهده می‌شد که داور نظرات اصلاحی را به گونه‌ای بیان کرده بود که نویسنده اذعان می‌داشت متوجه مقصود داور نمی‌شود.

گاهی قالب بیانی بازبینه‌ها قابل‌فهم نبود. ضروری است این قالب برای هر دو طرف نویسنده و داور قابل‌فهم باشد؛ یعنی فهمی که از یک مطلب مندرج در بازبینه برای داور حاصل می‌شود مشابه فهم نویسنده از آن مطالب باشد. بررسی چند نمونه نشان داد اغلب این بازبینه‌ها از یک قالب و فرمت مشخصی پیروی می‌کنند و تقریباً معیارهای مشابهی در آنها طرح شده است. پس تجدیدنظر در نوشتار این بازبینه‌ها، عموماً برای چند مجله به‌طور مشابه، می‌تواند مؤثر و مفید واقع و به کار گرفته شود.

سوم، می‌توان این مسئله را با «نظریهٔ امپاتی یا همدلی»^{۴۵} تحلیل کرد و برای آن راهکار ارائه داد که در ادامه بیشتر توضیح داده شده است.

– **نظریهٔ امپاتی یا همدلی:** به‌طور کلی در این نظریه به لزوم همدلی کردن افراد با یکدیگر برای ایجاد جوی همدلانه بین آنها تأکید می‌شود. مطابق این نظریه ظرفیت همدلی نوعی ظرفیت شناختی – عاطفی در همهٔ انسان‌هاست که توسط نوعی

بین داور و نویسنده ایجاد نشده یا اینکه گاه داور در قالب این بازبینه‌ها نتوانسته به‌طور کامل و دقیق مقصود خود را به نویسنده منتقل کند. البته گاه نیز نویسنده فهم دقیقی از ایدهٔ مکتوب داور ندارد. هرچند برخی داوران سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های ترکیبی تا حد امکان به نویسنده کمک کنند، با این حال برخی پاسخ‌ها و اصلاحاتی که نویسندگان بازخورد می‌دادند و نبود رضایت داور از این پاسخ‌ها و اصلاحات، نشان‌دهندهٔ وجود این مسئله بود؛ به‌طور مثال از بین موارد بررسی‌شده می‌توان به نمونه‌ای اشاره کرد که داور به‌دلیل اعلام نارضایتی از اینکه نویسنده اصلاحات را کامل و دقیق انجام نداده، از ادامهٔ داوری انصراف داده بود، درحالی‌که نویسنده تأکید داشت موارد اصلاحی را طبق نظر داور انجام داده است. حتی مشاهده شد برخی نظرات داوران قبل و بعد از اصلاحات نویسنده، از سازگاری لازم برخوردار نبودند؛ بدین معنی که داور نظراتی قبل از اصلاحات داده و بعد از اصلاحات نویسنده، نکات جدیدی طرح کرده بود. فقدان فهم مطالب ردوبدل شده می‌تواند دلیل این ناسازگاری باشد و حتی کار اصلاح کردن را برای نویسنده سخت کند.

این مسئله را می‌توان به چند طریق تحلیل کرد: اول اینکه بیان نظر داوری به‌صورت کاملاً یک‌طرفه و بدون تعامل با نویسنده می‌تواند منجر به بروز این مسئله شود. اغلب این مجلات داوری دوسو ناشناس داشتند و به‌نظر می‌رسید با این نوع داوری تعامل دوسویه ایجاد نمی‌شد. یکی از راهکارهای مؤثر برقراری رابطهٔ دوطرفه بین نویسنده و داور است. مقصود از رابطهٔ دوطرفه این است که به روشی بتوان فهم نویسنده و داور را نسبت به مطالبی که هر کدام طرح می‌کنند، به هم نزدیک کرد. مثلاً ابتدا به‌صورت پرسش و پاسخ داور سعی کند مقصود نویسنده را در گزارش علمی بفهمد. سپس، با هدف مشاوره و کمک به عرضهٔ بهتر مقاله، نظرات داوری خود را اعلام کند. بدین منظور «او باید سوالات خوب و سازنده‌ای از

۴۴. محمدباقر اولیاء و مهرداد شکبیا، «چگونه مقالات پژوهشی را به روش علمی و سیستماتیک داوری کنیم؟»، ۳. 45. Empathy Theory

معیارهای داوری مقالات	زیرشاخه	سرشاخه
مناسب یا نامناسب	- تناسب موضوع و محتوای مقاله با زمینه علمی مجله - تناسب عنوان با مطالب مطرح - نوآوری علمی مقاله	الف) عنوان، موضوع، محتوا و نوع مقاله
علمی - پژوهشی یا مروری یا ...	- نوع مقاله	ارزیابی ساختاری
طیفی از بسیار خوب تا خیلی ضعیف	- روشن بودن مسئله و اهداف پژوهش	
طیفی از بسیار خوب تا خیلی ضعیف	- اعتبار پرسش‌ها - مجزاسازی پرسش اصلی از فرعی	
طیفی از بسیار خوب تا خیلی ضعیف	- مشخص و مکفی - اعتبار علمی - ابزار پژوهش	ج) روش‌شناسی پژوهش
طیفی از بسیار خوب تا خیلی ضعیف	- انسجام و توالی منطقی ساختار مقاله - صحت ارجاعات داخل متن و انطباق با فهرست منابع معتبر و به‌روز - ارجاعات و منابع انتهایی - نیاز به ویرایش فنی و ادبی - تناسب تصویرها (عکس، نمودار، جدول) با محتوای مقاله - برگردان موارد لازم به انگلیسی	روش و شیوه بیان و ارائه گزارش
طیفی از بسیار خوب تا خیلی ضعیف	- غنا، اصالت، جامعیت، و اعتبار منابع - توجه به مبانی نظری و پیشینه جامع و مناسب - نظم منطقی مباحث و قدرت استدلال علمی - کیفیت و کمیت مناسب اطلاعات - توانایی در حصول نتایج جامع و کافی - پاسخ صریح به سؤال‌های تحقیق (اثبات یا رد فرضیه) - میزان استواری استدلال‌ها - ارزیابی سطح نوآوری موضوع و مباحث طرح‌شده در مقاله	ارزیابی محتوایی
نظر نهایی داور	- چاپ، نیاز به اصلاحات، رد - ارزیابی مجدد بعد از انجام اصلاحات	ارزیابی نهایی

46. G. Rizzolatti and L. Craighero, "The Mirror-neuron System", *Annu. Rev. Neurosci.*, no. 27 (2004): 169-192; G. Rizzolatti, et al., "Neurophysiological Mechanisms Underlying the Understanding and Imitation of Action", *Nature Reviews Neuroscience*, no. 9 (2001): 661-670.

۴۷. وی.اس. راماجاندران، مغز سخن‌چین: جست‌وجوی یک عصب‌شناس برای آنچه ما را انسان می‌سازد (تهران: سایلاو، ۱۳۹۹)، ۳۴۱-۳۸۱.

۴۸. باکینگهام و کلیفتون دو عصب‌شناس آمریکایی در کتاب کشف توانمندی‌ها به ۳۴ نوع هوش بشر اشاره کرده‌اند که یکی از آنها همدلی است (مارکوس باکینگهام و دونالد او کلیفتون، کشف توانمندی‌ها (تهران: شمشاد، ۱۳۰۰)، ۹۷.

جدول ۱. کلیات مطالب طرح شده و مشابه در فرم‌های داوری چند مجله، پژوهش: نگارنده.

بین معماری - محیط طراحی شده و رشد ظرفیت همدلی رابطه محکمی برقرار است. ثانیاً معماران نسبت به دیگر افراد بیشتر از این ظرفیت خود به‌خصوص در طراحی محیط‌ها استفاده می‌کنند؛ چراکه برای یک معمار استعداد تجسم موقعیت‌های انسانی از توانایی تصور فضاهای خیالی مهم‌تر است.^{۴۵} آنان در موقعیت‌های مختلف طراحی معماری مدام در حال تمرین همدلی کردن هستند. ثانیاً رشد ظرفیت همدلی در تقویت تفکر طراحی به معماران کمک می‌کند. در نهایت معماری می‌تواند محمل درک همدلانه تجارب مشترک افراد از یک محیط باشد

اعصاب در مغز انسان موسوم به عصب‌های آینه‌ای، پشتیبانی می‌شود.^{۴۶} با این ظرفیت افراد تجربه دیگران را درک می‌کنند و درک این تجارب ممکن است واکنش نسبت به احساسات و هیجانات ناشی از تجربه را به دنبال داشته باشد. پس همدلی کردن به زبان ساده یعنی خود را جای دیگر افراد و در موقعیت آنان قرار دادن که در درک آثار هنری نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.^{۴۷} به این امر «درک و فهم همدلانه»^{۴۸} گفته می‌شود. از مجموع نتایج پژوهش‌های مشترک میان معماران و دانشمندان علوم شناختی اعصاب^{۴۹} می‌توان نتیجه گرفت اولاً



۴۹. فیلیپ تیدول، معماری و همدلی، ترجمه محمد گلشن و نیما اسماعیلی (مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۹)، ۸-۲۰؛ سارا رایینسون و یوهانی پالاسما، ذهن در معماری (علم اعصاب، تجسم و آینده طراحی)، ترجمه امیرضا رحیمی (تهران: موسسه معمار نشر، ۱۳۹۶)، ۵۱-۷۴؛ هری فرانسیس مالگریو، مغز معمار (علوم اعصاب، خلاقیت و معماری)، ترجمه کریم مردمی و سیما ابراهیمی (تهران: هنر معماری قرن، ۱۳۹۵)، ۱۴-۱۹.

50. J. Pallasmaa, "Empathic Imagination: Formal and Experiential Projection", *Architectural Design*, no. 84 (2014): 80-85.

51. S. Ortigue, et al., "Understanding Actions of Others: The Electrodynamics of the Left and Right Hemispheres, A High-density EEG Neuroimaging Study", *PLOS ONE*, no. 5(8) (2010): e12160; F. Soylu, "An Embodied Approach to Understanding: Making Sense of the World through Simulated Bodily Activity", *Frontiers in Psychology*, no. 7 (2016): Article 1914.

52. concrete

53. abstract

54. Conceptual-Semantic Knowledge

داوری، و به‌طور کلی ماهیت هر نوشته‌ای که در قالب‌های کلامی و ملفوظات عرضه می‌گردند، ماهیت انتزاعی دارند. به دانشی که به‌صورت ملفوظ و در قالب این مفاهیم عرضه می‌گردد، دانش مفهومی - معنایی^{۵۴} گفته می‌شود. می‌توان گفت آنچه بین داور و نویسنده ردوبدل می‌شود از جنس این نوع دانش است. عنصر اصلی سازنده این ملفوظات و به‌طور کلی هر دانش مفهومی کانسپت‌ها هستند. کانسپت در فارسی «مفهوم» ترجمه می‌گردد. کانسپت یا مفهوم برای تلخیص و سازماندهی پدیده‌ها یا رویدادها انتزاع و ساخته می‌شود^{۵۵} و خود آنها منتزع از تجارب هستند. مثلاً مفهوم خوردن انتزاعی برای عمل خوردن است که نوعی تجربه تلقی می‌گردد. مفهوم صندلی انتزاعی برای یک شیء است که از طریق تجربه مثل دیدن و لمس کردن شناخته می‌شود. پس تا چیزی در محیط واقعی تجربه نشده باشد انتزاعی برای آن نمی‌توان ساخت.

وقتی مفهومی ساخته و در تعاملات گفتاری استفاده می‌شود، لازم است افراد نسبت به معنی آن آگاه باشند. عملکرد قوه فاهمه افراد مربوط به فهم معانی مفهوم‌هاست.^{۵۶} در ادامه استدلال می‌شود ظرفیت همدلی می‌تواند فهم دانش مفهومی و انتقال درست آن بین دو یا چند نفر را تسهیل کند. بدین معنی که این ظرفیت عامل ایجاد جو مفهومی مشترک بین افراد به‌خصوص معماران است. معماران افرادی هستند که هم از این ظرفیت خود و هم به‌طور متداول از انواع مفهوم‌ها در طراحی استفاده می‌کنند.

گفته شد که رشد ظرفیت همدلی به میزان فعالیت اعصاب آینه‌ای وابسته است. از طرفی، این اعصاب در تقویت توان تجسم افراد دخالت دارند.^{۵۷} با تکیه به پژوهش‌های گالیسی، فعالیت این اعصاب در افراد کمک می‌کند تا بتوانند چیزهایی را که قبلاً تجربه کرده‌اند، تجسم کنند. بین تجسم هر چیز و فهم معنی مفهوم‌هایی که برای آن چیز انتزاع و ساخته شده

که در این صورت معمار در ایجاد این درک همدلانه سهیم است. با عنایت به توضیحات پیش‌گفته، می‌شود نتیجه گرفت که ظرفیت همدلی می‌تواند به ایجاد جو مفهومی مشترک بین معماران کمک کند. نتایج پژوهش‌های مرتبط با عصب‌های آینه‌ای نشان می‌دهد فعالیت این عصب‌ها باعث می‌شود مدل فکری دو نفر در مورد پدیده یا رویدادی واحد با هم جفت‌وجور شود.^{۵۱} بر این اساس می‌توان گفت تقویت این اعصاب کمک می‌کند تا فهم مشترکی بین دو نفر در خصوص یک پدیده یا رویداد واحد اتفاق افتد. حال اگر این پدیده «همان مطالب ردوبدل‌شده بین داور و نویسنده» باشد، عرضه راهکارهایی که بتواند فهم مشترکی بین آنها برقرار کند، طبق این نظریه ممکن، مؤثر، و کارآمد خواهد بود.

۵.۱. ایجاد جو مفهومی مشترک بین معماران

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان ادعا کرد، معماران بیش از هر کسی می‌توانند از ظرفیت همدلی خود برای درک تفکرات، احساسات، و هیجانات و رفتارهای یکدیگر استفاده کنند. آنها به‌دلیل تمرین مداوم همدلی‌کردن، بهتر می‌توانند مدل فکری خود را با دیگر معماران جفت‌وجور کنند. این امر مرتبط با تجربه‌هایی است که، به‌طور ماهوی، حقیقی هستند و در واقع در زندگی روزمره افراد اتفاق می‌افتد. اما جالب توجه است که هرچند نظریه همدلی با پدیده یا رویداد حقیقی و انضمامی^{۵۲} بیشتر سروکار دارد، اما بر اساس این نظریه می‌توان برای پدیده‌ها یا رویدادهای انتزاعی^{۵۳} و به‌طور خاص برای ایجاد یک جو مفهومی مشترک بین دو معمار (داور و دانشجوی محقق) نیز آن را به کار گرفت.

برای توضیح بیشتر این موضوع لازم است یک بار ماهیت مقالات علمی تبیین گردد. گزارش علمی مقالات یا همان دست‌نوشته‌ها، بازبینی‌ها و فرم‌های ارزیابی مقالات، نظرات

55. L.W. Anderson and D.R. Krathwohl, *A Taxonomy for Learning, Teaching, and Assessing: A Revision of Bloom's Taxonomy of Educational Objectives* (Longman, 2001).

۵۶. محمد شفيعی، «تفاوت فاهمه و عقل نزد کانت»، حکمت و فلسفه، ش. ۳ (مهر ۱۳۸۷): ۱۳۷-۱۴۴.

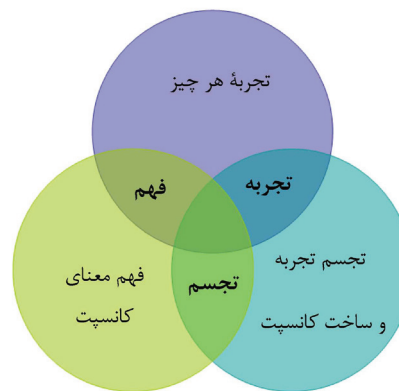
57. V. Gallese, "Embodied Simulation Theory: Imagination and Narrative", *Neuropsychology*, no.13 (2011): 196-200.

58. B. Bergen, "Experimental Methods for Simulation Semantics", in M. Gonzalez-Marquez, I. Mittelberg, S. Coulson, and M.J. Spivey (Eds.), *Methods in Cognitive Linguistics*, John Benjamins Publishing Company. 2007, 277-301.

59. V. Gallese and G. Lakoff, "The Brain's Concepts: The Role of the Sensory-motor System in Conceptual Knowledge", *Cognitive Neuropsychology*, no. 22 (2005): 455-479.

ت ۲. رابطه بین تجربه و تجسم هر چیز با فهم معنای آن چیز، طرح: نگارنده

رابطه‌ای هست؛ یعنی فهم معنی کلمات، واژه‌ها، و جملات به قدرت تجسم تجربه‌ای که در پس‌زمینه این‌ها وجود دارد، وابسته است. زمانی افراد معنی جملات را می‌فهمند که بتوانند آن جملات را مجسم کنند.^{۵۸} اهمیت تجسم جملات برای داور و نویسنده مقاله در پژوهش‌های کیفی که کمتر با داده‌های آماری سروکار دارد، بیشتر است. مثلاً وقتی نویسنده از یک محیط دلگشا یا فضای دل‌باز سخن می‌گوید، فهم معنی سخن او برای داور زمانی ممکن می‌شود که خود او چنین فضایی را تجربه کرده باشد. بنابراین هر دانش مفهومی به‌واسطه وجود تجربه شکل‌دهنده جملات و گزاره‌های آن، حاوی معنی می‌شود و این معنی از طریق توانایی فرد در تجسم این تجربه به حوزه مفاهیم متبادر می‌شود.^{۵۹} پس مؤکداً باید ذکر گردد که تا داور و نویسنده نتوانند معنای جملات نوشتار یکدیگر را مجسم کنند، نمی‌توانند آنها را فهم کنند (ت ۲). فهم معنی «من با توپ زمین خوردم» به تجسم تجربه زمین خوردن من با توپ یا مشاهده من از زمین خوردن دیگران وابسته است. بر اساس آنچه گفته شد، یکی از راهکارهای پیشنهادی برای ایجاد فهم همدلانه و مشترک بین داور و نویسنده، استفاده از مفاهیم واحد با معانی مشترک در کلام و ملفوظات



است که فهم دو طرف را نسبت به ملفوظات به هم نزدیک کند. برای تحقق این امر ارجاع دادن به تجارب زیسته و عام افراد می‌تواند مؤثر باشد؛ تجارب زیسته‌ای که گمان می‌رود نویسنده و داور، هر دو، آن را درک می‌کنند و معنی ملفوظات برگرفته از آن تجارب را می‌فهمند. مقصود از تجربه زیسته همان تجارب روزمره افراد است که روزانه و مستمر بدون نیاز به تفکر و تأمل بر روی آنها، به کار گرفته می‌شوند.

نخستین بار ویلهلم دیلتای^{۶۰} مفهوم تجربه زیسته را معرفی کرد. او تجربه حضوری و بی‌واسطه که در آن بین تجربه‌گر و تجربه‌شونده اتحاد برقرار است، تجربه زیسته نامید.^{۶۱} طبق نظر ویلیام موریس مرلوپونتی، هم پدیده‌ها و رویدادها و هم معنای آنها تجربه و زیسته می‌شوند.^{۶۲} پس موضوع تجربه زیسته معماران از محیط زیسته یا محیطی که طراحی می‌شود، موضوع مهم و قابل توجهی در پژوهش‌های معماران است. ارجاع به تجارب زیسته مشترک از محیط‌های معمارانه یا تجارب زیسته در محیط‌های مشترک معمارانه می‌تواند درک همدلانه معماران را نسبت به جملاتی که در مورد معماری بین آنها ردوبدل می‌شوند، تقویت کند.

در تبیین نقش تجارب زیسته در ایجاد جو^{۶۳} مشترک بین افراد می‌توان به زومتور^{۶۴} اتکا کرد. با استناد به نظر او قسمی از این جو می‌تواند همان جو مفهومی مشترک بین معماران و درک همدلانه آنها نسبت به مفاهیم و معانی چیزها باشد. یعنی جوی که در آن بین فضای اندیشه و فضای درک و فهم آن اندیشه شکافی وجود نداشته باشد یا این شکاف حداقل باشد. با استناد به نظرات مرلوپونتی اندیشه انسان مبتنی بر تجربه زیسته اوست،^{۶۵} پس تجارب زیسته مشترک می‌تواند فضای اندیشه‌ها را مشترک و به هم نزدیک کند. بنابراین ارجاع به تجارب زیسته مشترک داور و نویسنده می‌تواند در ایجاد یک جو مفهومی^{۶۶} مشترک بین آنها کمک کند. از این روش

۶. جمع‌بندی

بررسی سازوکارهای برخی داوری‌های دست‌نوشته‌های ارسالی دانشجویان دکتری به مجلات معماری نشان داد؛ ا عرضه نظرات داور و همچنین اصلاحات نویسنده بدون توضیح کافی و بدون کمک به فهم آنچه نگاشته شده، صرفاً متکی بر فرم‌های داوری گاه بین طرفین ایجاد نارضایتی می‌کند. این نارضایتی گاه ناشی از فقدان فهم متقابل نسبت به نوشتارهایی است که به همدیگر ردوبدل می‌کنند.

در جمع‌بندی مطالب مقاله تأکید می‌شود، داور در مطالعه گزارش علمی خود را جای نویسنده قرار دهد و همدلانه نوشتار وی را مطالعه کند. اگر فهم مطالب نوشتار او میسر نشد یا به‌سختی امکان‌پذیر می‌نمود، در گام بعدی برای ایجاد جو مفهومی مشترک بین خود و نویسنده تلاش کند. پس از آن هنگام بیان نظر داوری و در انتقال مقصود خود از مفاهیم، واژگان و جملاتی استفاده کند که معنی آنها برای نویسنده هم قابل‌فهم باشد؛ یعنی نویسنده بتواند جملات نوشتار وی را مجسم کند. از به کار بردن اصطلاحات فنی و تخصصی بیش از حد پرهیز کند. از کلیدواژه‌هایی استفاده کند که نویسنده

گاه اساتید معماری در آموزش خود نیز استفاده می‌کنند؛ مثل ارجاع به مصادیق معماری گذشته^{۶۷} که معمولاً معماران از این مصادیق تجربه دارند.

علاوه بر این، یکی از قالب‌های بیانی که معماران معمولاً در آموزش‌ها یا در حرفه طراحی معماری برای انتقال اندیشه خود به دیگر معماران از آن استفاده می‌کنند، استفاده از مفهومی‌های غیرملفوظ و غیرکلامی است. در اصل این انتقال اندیشه همیشه متکی بر مفاهیم کلامی و تصویری بوده است.^{۶۸} پس مفهومی‌های تصویری و استفاده از قالب بیانی ترسیمی، تصویری، و دست‌نگاره (ت ۳) نیز می‌تواند در ایجاد یک جو مفهومی مشترک بین داوران کمک کند. در بین بازبینی‌ها و شیوه‌هایی که داوران مورد نظر استفاده کرده بودند، نمونه‌ای یافت نشد که از این روش بیانی استفاده شده باشد. در این مقاله پیشنهاد و توصیه می‌شود بازبینی‌هایی خاص داوران و نویسندگان معمار طراحی شود که از قالب دست‌نگاره به جای نوشتار برای داوری استفاده شود؛ البته این پیشنهاد خود می‌تواند موضوع یک پژوهش جداگانه قرار گیرد و برای چگونگی تحقق آن راهکار ارائه شود.

60. Wilhelm Dilthey

۶۱. حامد بی‌تی و همکاران، «تجربه استفاده از خانه‌های تاریخی با کارکرد مدارس معماری از منظر تجربه زیسته دانشجویان: مورد پژوهش: دانشگاه هنر اسلامی تبریز»، صفه، ش. ۹۲ (بهار ۱۴۰۰): ۸۳.

62. M. Merleau-Ponty, *Phenomenology of Perception* (Taylor and Francis e-Library, 2005); Taylor Carman, *Merleau-Ponty* (London & New York: Routledge, 2008), 50.

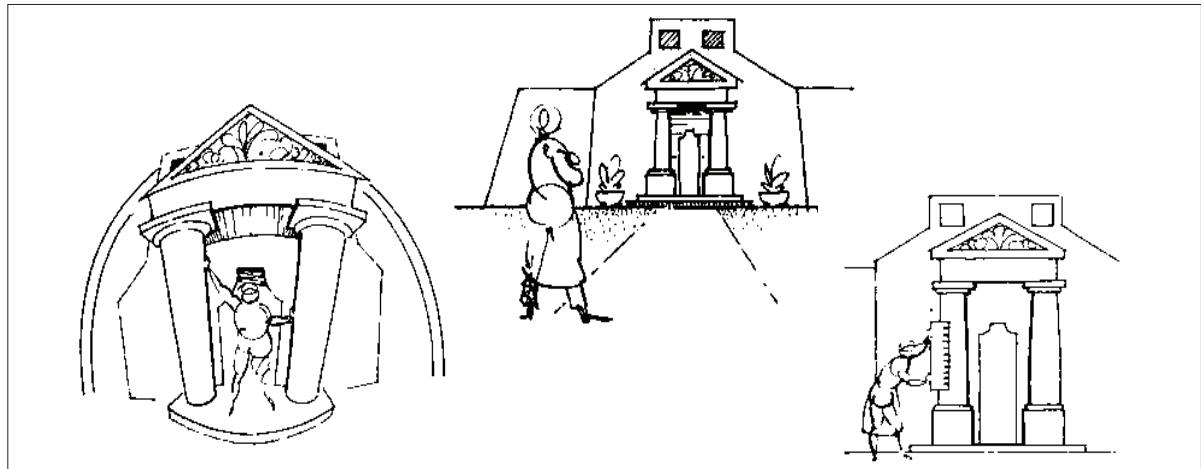
63. atmosphere

۶۴. نک: پیتر زومتور، معماری متفکر، اتمسفرها، معرفی آثار: رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه زومتور، ترجمه مرتضی نیک‌فطرت و سیده‌صدیقه میرگذار لنگرودی (تهران: مؤسسه علم معمار، ۱۳۹۳): زومتور، اتمسفر: محیط‌های معماری، آئینه‌های احاطه‌گر، ترجمه مهدی پیرحیاتی (تهران: اول و آخر، ۱۳۹۹).

ت ۳. پیشنهاد استفاده از قالب دست‌نگاره برای داوری مقالات معماری، مأخذ:

Bloomer, et al, *Body, Memory, and Architecture* (Yale University Press, 1977).

جانمایی و ترکیب تصاویر: نگارنده.



طرح پژوهشی است و نویسنده در چه حوزه تخصصی ای فعالیت کرده، می‌تواند درک همدلانه بین آنها برقرار کند.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مبتلابه دانشجویان مقطع دکتری معماری در فرایند داوری دست‌نوشته‌های علمی آنان، فقدان جو مشترک و همدلانه در مطالب نوشتاری است که بین داور و نویسنده ردوبدل می‌شود. برای دانشجویان دکتری که مسیر نظریه‌آفرینی را از آفرینش تا تفهیم نظریه طی می‌کنند، بخش تفهیم نظریه و تفهیم نتایج پژوهش که به مجلات علمی ارسال می‌کنند، گاه دشوارتر است. در این پژوهش نشان داده شد که یکی از دلایل آن نبود سعی در ایجاد جو مشترک و فضای انتقال اندیشه بین طرفین است. ایجاد چنین جوی با تکیه بر نظریه همدلی میسر است. برای اینکه بتوان در سازوکار داوری مقالات معماری، با تکیه بر این نظریه، فهم نویسنده و داور را از مطالب به هم نزدیک کرد، راهکاری در این پژوهش پیشنهاد شد.

در این راهکار نشان داده شد هر روشی که باعث شود محتوای تجسمات و تصورات دو طرف مشابه یا یکسان شود، در ایجاد این جو مشترک مؤثر است؛ یعنی روشی که کمک کند هر آنچه در فکر و تجسم نویسنده بوده را داور هم درک و فهم کند و برعکس، انتقال اندیشه را تسهیل می‌کند. از جمله روش‌های پیشنهادی استفاده از قالب ترسیمی، تصویری، و دست‌نگاره توسط داوران بود. این روش‌ها نیز پیشنهاد شدند: استفاده از نمونه و مثال مانند ارجاع به مصادیق معماری، ارجاع به تجارب زیسته مشترک بین داوران، و استفاده از قالب کلامی قابل فهم و واژگان مشابهی که نویسنده در دست‌نوشته به کار برده است. نزدیک کردن تجارب نویسنده و داور به همدیگر مانند آشنایی طرفین نسبت به تخصص یکدیگر نیز می‌تواند در ایجاد فضای مناسب انتقال اندیشه مؤثر باشد.

نیز در دست‌نوشته خود به کار گرفته است. تا اینجا توصیه‌ها می‌تواند برای همه حوزه‌ها قابل استفاده باشد.

در مورد حوزه معماری، همان‌طور که اشاره گردید، یکی از توانایی‌های تقریباً منحصربه‌فرد معماران، و البته هنرمندان، توان تجسم فضا و محیط است. توصیه بعدی مخصوص محققان و داوران حوزه معماری است. از این توان خود برای ایجاد آن جو مشترک استفاده کنند؛ مثلاً از نمونه و مثال‌های قابل تجسم و قابل تصور برای انتقال مقصود بهره گیرند، مثال‌هایی که با سطح درک و فهم نویسنده با توجه به نوع گزارش علمی و مطالبی که طرح کرده، نزدیک باشد، از مثال‌های تجارب زیسته مشترک و معمارانه استفاده کند. این توصیه‌ها به صورت متقابل برای نویسنده نیز می‌تواند کارا باشد تا او نیز با کمک این راهکارها به منظور ایجاد جو مفهومی مشترک بین خود و داور کوشش کند.

راهکار بعدی امکان بهره‌گیری از نظرات مشورتی چند داور به صورت توأمان در مورد یک دست‌نوشته است. مشورت چند داور با هم از پیش‌داوری قبل از فهم حاق مطالب، انحصارگری در تشخیص و تصمیم داور، شتاب‌زدگی در این امر، و حتی داوری بر اساس دیدگاه و مبانی شخصی داور جلوگیری می‌کند،^{۶۹} امکان تفسیر و تبیین مطالب با مشورت و مشارکت چند داور را نیز فراهم می‌کند، از طرف دیگر، آگاهی نسبی داور نسبت به دایره واژگان و معانی که نویسنده به کار برده، می‌تواند در تحقق این امر مؤثر باشد.

از آنجا که اغلب مجلات به صورت دوسو ناشناس امر داوری را پیگیری می‌کنند، توصیه می‌شود حداقل داور نسبت به بنیان و اساس شکل‌گیری مقاله و حوزه تخصصی که نویسنده در آن پژوهش خود را آماده و تنظیم کرده اطلاع یابد. هرچند لازم نیست داور به‌طور کامل از مشخصات فردی نویسندگان مطلع شود، اما دانستن اینکه آیا مقاله برگرفته از رساله دانشجویی و یا

۶۵. ستاره یمینی و همکاران، «نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری؛ نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور»، باغ نظر، ش. ۱۱۱ (شهریور ۱۴۰۱)، ۵-۱۶.

66. Conceptual

۶۷. حمید میرجانی، «رجوع معمارانه به گذشته: جستجوی روشی جهت کسب دانش عملی طراحی از طریق تجربه مصادیق معماری»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ۱۲۹.

۶۸. همان.

۶۹. فرامرز قراملکی، «اخلاق داوری علمی»، ۷-۱۹.

References

- Abooyee Ardakan, SM., SA. Mirzaei, F. Sheikhshoaei. "The Peer-Review Process for Articles in Iran's Scientific Journals". *Iranian Journal of Information Processing and Management*, no. 72 (2013): 305-346.
- Abooyee Ardakan, SM. and SA. Mirzaei. "Referees and Ethics of Peer-Review in the Iranian Scientific Journals". *Journal of Ethic in Science and Technology*. no. 1 (2010): 36-47.
- Alidosti, S., A. Abd-Al-Majeed, M. Khosrowjerdi, and F. Mohammadi. "Scientific periodicals in the Ministry of Science, Research and Technology: Systemic approach Systemic approach". *Journal of Library and Information Sciences*, no. 47(2009): 169-208. (In Persian).
- Amanollahi A., L. Sarikhani, A. Azhandeh, and F. Shokraneh. "Objective and Subjective Criteria in Assessing the Accepted or Rejected Manuscripts of Journal of Health Administration". *Journal of Health Administration*, no. 57 (2014) :26-45. (In Persian).
- Ammenwerth, E., A.C. Wolff, P. Knaup, H. Ulmer, S. Skonetzki, J.H. Van Bommel, A.T. McCray, R. Haux, and C. Kulikowski. "Developing and Evaluating Criteria to Help Reviewers of Biomedical Informatics Manuscripts". *Journal of the American Medical Informatics Association*, no. 5 (2003): 512-514.
- Anderson, L.W. and D.R. Krathwohl. *A Taxonomy for Learning, Teaching, and Assessing: A Revision of Bloom's Taxonomy of Educational Objectives*. Longman, 2001.
- Buckingham, M., D.O. Clifton. *Now, Discover Your Strengths*. Persian transl. Bahareh Pazhumand. Mashhad: Shemshad, 2021. (In Persian).
- Benos, D.J., K.L. Kirk, and J.E. Hall. "How to Review a Paper?". *Advances in Physiology Education*, no. 27 (2003): 47-52.
- Bergen, B. "Experimental Methods for Simulation Semantics". in M. Gonzalez-Marquez, I. Mittelberg, S. Coulson, and M.J. Spivey (Eds.). *Methods in Cognitive Linguistics*, John Benjamins Publishing Company. 2007, 277-301.
- Beyti, H., M. Gharehbaglou, and B. Pourjavadasl. "Historical Houses as Architecture Schools in aspect of Student Lived Experience; Case study: Tabriz Islamic Art University". *Soffeh*, no. 92 (2021): 83-96. (In Persian).
- Bloomer, K.C., C.W. Moore, R.J. Yudell, and B. Yudell. *Body, Memory, and Architecture*. Yale University Press, 1977.
- Carman, Taylor. Merleau-Ponty. London & Newyork: Routledge, 2008.
- Ershad, F., M. Karakhani, and A. Mirzaei. "Analysis of refereed documents of Iranian sociology journal articles". *Iranian Journal of Sociology*, vol. 6, no. 4 (2005): 3-33. (In Persian).
- Gallese, V. "Embodied Simulation Theory: Imagination and Narrative". *Neuropsychanalysis*, no.13 (2011): 196-200.
- Gallese, V. and G. Lakoff. "The Brain's Concepts: The Role of the Sensory-motor System in Conceptual Knowledge". *Cognitive Neuropsychology*, no. 22 (2005): 455-479.
- Garmel, GM. "Reviewing Manuscripts for Biomedical Journals". *The Permanente Journal*, no. 14 (2010): 9-32.
- Gurgin Karaji, A. and M. Babazadeh. "The Challenges of Peer-Refereeing in the Technical and Engineering Articles of Iranian Journals". *Journal of Engineering Sciences Elites*, vol. 5, no. 3 (2020): 213-233. (In Persian).
- Hames, Irene. *Peer Review and Manuscript Management in Scientific Journals: Guidelines for Good Practice*. Malden, MA: Blackwell Publishing, xi, 293 p. ISBN: 978-1-4051-3159-9, 2007.
- Hoppin, FG Jr. "How I Review an Original Scientific Article". *Am J Respir Crit Care, Med*, no. 166 (2002): 1019-1023.
- Hoseinyzadeh, S. *Embodiment in Architectural Design Skills Training*. PhD dissertation in architecture. Yazd University. 2022. (In Persian).
- Lang, J. *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Persian transl. Alireza Einifar. Thran: Tehran University, 2002. (In Persian).
- Makizadeh, F. and F. Zare Dehabadi. "Bias in Peer Review". *Digital and Smart Libraries Researchers*, no. 22 (2019): 51-62. (In Persian).
- Mallgrave, H.F. *The Architect's Brain: Neuroscience, Creativity, and Architecture*. Persian transl. Karim Mardomi and Sima Ebrahimi. Tehran: Honar-Memari-Qarn. 2016. (In Persian).
- Mansourian, Yazdan. "Review and Management of Articles in Scientific Journals: Solutions for Competent Performance". *Journal of Koliat-Ketab-Mah*, no. 173 (2012): 47-44. (In Persian).
- _____. "Ups and Downs in the Arbitration Process". *Journal of Koliat-Ketab-Mah*, no. 167 (2018): 69-64. (In Persian).
- Merleau-Ponty, M. *Phenomenology of Perception*. Taylor and Francis e-Library, 2005.
- Mirjani, H. "Architectural Reference to the Past: Searching for a Method to Acquire Practical Design Knowledge through the Experience of Architectural Examples". PhD dissertation in architecture, Tehran: Shahid Beheshti University. 2018. (In Persian).
- Mirzaei, SA., SM. Abooyee, M. Gharakhani, and F. Sheikhshoaei. "Peer review in scientific journals: case study of Iranian Sociology Journal". *Iranian Journal of Sociology*. no. 16 (2006): 147-179. (In Persian).
- MohammadGharravi, Anna. "Common Types of Peer Review for Journals Articles". *Journal of Knowledge and Health in Basic*

- Medical Sciences, vol. 14, no. 1 (2019): 1-2. (In Persian).
- Motalebifard, A., A. Naveh-Ebrahim, H. Mohabbat, and A. Sadin. "Research Ethics in Higher Education: Individual Characteristics and Professional Responsibilities of Researchers". *Journal of Knowledge Studies*, no. 19 (2013): 73-84. (In Persian).
- Ortigue, S., C. Sinigaglia, G. Rizzolatti, and S.T. Grafton. "Understanding Actions of Others: The Electrodynamics of the Left and Right Hemispheres, A High-density EEG Neuroimaging Study". *PLOS ONE*, no. 5(8) (2010): e12160.
- Oulia, MB., M. Shakiba. "How to Judge Research Articles in a Scientific and Systematic Way?". *Journal of Shahid Sedghi University of Medical Sciences and Health-Therapeutic Services*, vol. 16, no. 2 (2008): 3-8. (In Persian).
- Pallasmaa, J. "Empathic Imagination: Formal and Experiential Projection". *Architectural Design*, no. 84 (2014): 80-85.
- Pallasmaa, J., H.F. Mallgrave, S. Robinson, and V. Gallese. *Architecture and Empathy* (Collection of lectures). Edited by Philip Tidwell. Persian transl. Mohammad Golshan and Nima Esmaeily. Mashhad: Ketabkadeh-Kasra, 2021. (In Persian).
- Qaramaleki, A. "Ethics of Scientific Refereeing: An Islamic Approach". *Strategy for Culture*, no. 8-9 (2010): 7-19. (In Persian).
- Rajabaly-Biglo, R. and A. Thegat-Al-Eslami, Z. Rajabaly-Biglo, and N. Haji-Azizi. "Peer-reading Process and Its Ethical Challenges: Can We Hope for Moral Judgment?". *Ethics in Science and Technology*. vol. 17, no. 6 (2022): 16-21. (In Persian).
- Ramachandran, V.S. *The Tell-Tale Brain: A Neuroscientists Quest for What Makes Us Human*, Persian transl. Masoume Malekian. Tehran: Sailav Publication, 2019. (In Persian).
- Razjoyan, M. and S. Masoudinejad. *Step by Step into the Creating Architectural Theory (From Question to a Theory, From Theory to a Dissertation)*. Tehran: Rozaneh, 2019. (In Persian).
- Rizzolatti, G. and L. Craighero. "The Mirror-neuron System". *Annu. Rev. Neurosci.*, no. 27 (2004): 169-192.
- Rizzolatti, G., L. Fogassi, and V. Gallese. "Neurophysiological Mechanisms Underlying the Understanding and Imitation of Action". *Nature Reviews Neuroscience*, no. 9 (2001): 661-670.
- Robinson, S. and J. Pallasmaa. *Mind in Architecture: Neuroscience, Embodiment, and the Future of Design*. Persian transl. Reza Amirrahimy. Thran: Memar-Nashr, 2017. (In Persian).
- Shafiei, M. "The Difference between Understanding and Reason in the Kant's Thought". *Journal of Wisdom and philosophy*, no. 15 (2008): 137-144. (In Persian).
- Soylu, F. "An Embodied Approach to Understanding: Making Sense of the World through Simulated Bodily Activity". *Frontiers in Psychology*, no. 7 (2016): Article 1914.
- Weller, A.C. *The Refereeing Process in Scientific Journals: Its Strengths and Weaknesses*. Persian transl. AliHossein Ghasemi and Siros Azadi. Tehran: Chapar publication (Research Institute of Information Science and Technology of Iran). 2009. (In Persian).
- Williamson, A. "What Will Happen to Peer Review". *Learned Publishing*, no. 16 (2003): 15-20.
- Yamini, S., P. Alimohammadi, and K. Bazrafkan. "The Role of Designers' Lived Experience in Representation of Architectural Archetypes: A Case Study of Iranian-born Foreign-Educated Architects' Designs". *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, no. 111 (2022): 5-16. (In Persian).
- Zumthor, P. *Atmospheres: Architectural Environments, Surrounding Objects*. Persian transl. Mehdi Pirhayati. Tehran: First and Last Publication, 2020. (In Persian).
- _____. *Thinking architecture, Atmospheres, Introduction of Works: Phenomenological approach in Zumthor's Thought*. Persian transl. Morteza Nikftrat and Sediqeh Mirgozar. Tehran: Institute of Architect's Science Publication, 2013. (In Persian).
- www.Magiran.com